حدیث روز

پیامبر اکرم (ص) :
لَو یَعلَمُ العِبادُ ما فی رَمَضانَ لَتَمَنَّت أن یَکونَ رَمَضانُ سَنَةً .
اگر بندگان می دانستند که در رمضان چه [برکاتی] هست، آرزو می کردند که رمضان، یک سال باشد .

چرا زیارت حضرت عبدالعظیم (ع) هم‌سنگ کربلاست؟

شناخت ابعاد شخصیتی حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)، نه فقط یک کنجکاوی تاریخی، بلکه راهی برای پیوند معنوی با سیره اهل‌بیت (ع) و آشنایی با الگویی عینی از پیروی حقیقی است.

در روزگاری که بسیاری از الگوهای دینی و اخلاقی در پس‌زمینه‌ی هیاهوی رسانه‌ها کم‌رنگ شده‌اند، بازشناسی چهره‌های برجسته‌ای چون حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) ضرورتی دوچندان دارد. شخصیتی که نه‌تنها از نسل نورانی امام حسن مجتبی (ع) است، بلکه با بهره‌گیری از تربیت خانوادگی اصیل و شاگردی سه امام معصوم (ع)، به مقام رفیع علمی، اعتقادی و اجتماعی رسید. شناخت ابعاد شخصیتی ایشان، نه فقط یک کنجکاوی تاریخی، بلکه راهی برای پیوند معنوی با سیره اهل‌بیت (ع) و آشنایی با الگویی عینی از پیروی حقیقی است. امام هادی (ع) در توصیف او فرمودند: «أنت ولینا حقاً»؛ این تأیید از سوی امام معصوم، نشان از عمق ارتباط معنوی حضرت عبدالعظیم (ع) با پیشوایان دین دارد. حدیث «عرض دین» و انتصاب ایشان به‌عنوان مرجع دینی مردم ری، از جایگاه بی‌نظیر او در میان علما و مؤمنان حکایت دارد. شناخت زندگی و مهاجرت او به شهر ری، ما را با یکی از زوایای کمتر شناخته‌شده تاریخ شیعه و مفهوم «هجرت علمی - ولایی» آشنا می‌کند. بی‌جهت نیست که زیارت او هم‌سنگ زیارت سیدالشهدا (ع) دانسته شده است.

خبرگزاری تسنیم در گفت‌وگو با حجت الاسلام علی امیری، کارشناس مسائل دینی، به بررسی زوایایی از زندگی و شخصیت علمی و معنوی حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) پرداخته است.

چرا شناخت شخصیت و زندگی حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه‌السلام) برای ما اهمیت دارد؟

شناخت شخصیت افراد و زندگی آن‌ها، نقش کلیدی در نوع تعامل و ارتباط ما با آن‌ها دارد. در علم روان‌شناسی، شکل‌گیری شخصیت انسان تحت تأثیر دو عامل اصلی دانسته شده است: وراثت و محیط. بنابراین، برای درک مقام معنوی و علمی حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)، باید به تاریخچه زندگی ایشان و شخصیت ایشان توجه کرد؛ چرا که این دو عامل نقش مهمی در رسیدن ایشان به آن مقامات ایفا کرده‌اند.

حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه‌السلام) در چه زمانی به دنیا آمد و نسب ایشان به کدام امام معصوم برمی‌گردد؟

تاریخ دقیق تولد حضرت عبدالعظیم به‌صورت قطعی نقل نشده، اما بر اساس برخی منابع تاریخی، تولد ایشان در حدود دهه‌های هشتم یا نهم قرن دوم هجری بوده است. برخی از مورخین با توجه به قرائن تاریخی، چهارم ربیع‌الثانی سال ۱۷۳ هجری قمری را به عنوان تاریخ ولادت ایشان نقل کرده‌اند.

نسب ایشان از طریق چهار واسطه به امام حسن مجتبی (ع) می‌رسد، به همین دلیل ایشان را سید حسنی می‌دانند و در کنیه و نام رسمی ایشان نیز از عنوان «الحسنی» استفاده می‌شود. کنیه حضرت، ابوالقاسم بوده و محل تولد ایشان نیز شهر مدینه منوره گزارش شده است.

ایشان حدود هشت برادر دارد. حضرت عبدالعظیم با دختر عموی خود، خدیجه بنت قاسم بن الحسن ازدواج کرد. لازم به ذکر است که قاسم بن الحسن، از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) و یکی از امامزادگانی است که مزار او در شمال تهران، در منطقه دربند، واقع شده است.

ثمره این ازدواج، دو فرزند بود: یک پسر به نام محمد و یک دختر به نام خدیجه که به ام‌سلمه نیز شهرت داشت. پسر ایشان، محمد، در سنین جوانی از دنیا رفت و بنابراین نسل حضرت عبدالعظیم (ع) از طریق فرزند دخترشان، ام‌سلمه، ادامه پیدا کرد.

وفات یا شهادت حضرت عبدالعظیم (ع) چگونه رخ داد و نظر منابع تاریخی درباره آن چیست؟

محل وفات حضرت عبدالعظیم (ع) شهر ری بوده است، اما در مورد چگونگی وفات یا شهادت ایشان، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. منابع کهن همچون رجال نجاشی و کتاب الفهرست اثر شیخ طوسی، بر این باورند که حضرت بر اثر بیماری و به‌صورت طبیعی از دنیا رفت.

در مقابل، برخی منابع متأخر مانند شجره المبارکه و منتخب‌التواریخ عباراتی دارند که به نوعی اشاره به شهادت دارند، مانند «مات مسموماً» یا «دُفِنَ حیّاً»، که القای مفهوم شهادت را می‌کنند.

با توجه به تشبیه زیارت حضرت عبدالعظیم (ع) به زیارت امام حسین (ع) در برخی منابع، برخی معتقدند می‌توان عنوان «شهید» را برای ایشان نیز به‌کار برد. با این حال، نظر مشهور و مستندتر این است که ایشان به مرگ طبیعی وفات یافت.

حضرت عبدالعظیم (ع) در زمان حیات خود با کدام امامان معصوم (ع) هم‌عصر بودند و نزد کدام امامان تلمذ کردند؟

حضرت عبدالعظیم (ع) هم‌عصر با پنج امام معصوم بودند، از امام موسی کاظم (ع) تا امام حسن عسکری (ع). با این حال، ایشان محضر علمی و معنوی سه امام بزرگوار را به‌صورت مستقیم درک کردند: امام رضا (ع)، امام جواد (ع) و امام هادی (ع). ایشان نزد این بزرگان تلمذ کرد، احادیث نقل کرده و مورد توجه ویژه آنان قرار گرفت.

چه عواملی باعث عظمت شخصیت حضرت عبدالعظیم (ع) نزد ائمه اطهار (ع) شده است؟

عظمت حضرت عبدالعظیم (ع) ریشه در چند عامل مهم دارد. از یک طرف نسب شریف ایشان مهم است که از ذریه پیامبر اکرم (ص) و امام حسن مجتبی (ع) بود، جایگاه ویژه‌ای به ایشان بخشید.

همچنین شاگردی نزد سه امام بزرگوار، همان‌طور که امام صادق (ع) فرمودند: «میزان علاقه ما به شیعیان‌مان را با توجه به فهم و روایت آن‌ها از ما بسنجید.» حضرت عبدالعظیم (ع) با حضور پیوسته در محضر امامان، به مراتب بالای معرفت و روایت رسید.

اعتماد علمی امامان به ایشان هم بسیار مهم است. امام هادی (ع) به یکی از راویان به نام ابوحماد رازی فرمودند: «إذا أشکل علیک شیء من أمر دینک بناحیتک فسل عبدالعظیم الحسنی.» یعنی هرگاه در امور دینی‌ات دچار مشکل شدی، در همان ناحیه، به عبدالعظیم حسنی رجوع کن. این بیان حاکی از آن است که امام هادی (ع)، حضرت عبدالعظیم را به‌عنوان وکیل علمی خود در منطقه ری معرفی می‌فرمایند.

حدیث «عرض دین» حضرت عبدالعظیم (ع) چیست و چه جایگاهی در منابع دارد؟

یکی از احادیث مشهور درباره حضرت عبدالعظیم، حدیث عرض دین است. در این روایت، حضرت عبدالعظیم (ع) عقاید دینی خود را خدمت امام هادی (ع) عرضه می‌دارد، و امام در پاسخ می‌فرمایند: «یا أبا القاسم، هذا والله دین الله الذی ارتضاه لعباده... ثبتک الله بالقول الثابت فی الحیاة الدنیا و فی الآخرة.» این بیان به معنای تأیید کامل عقیده ایشان از سوی امام است و حاکی از جایگاه ممتاز علمی و اعتقادی حضرت عبدالعظیم نزد امام هادی (ع) می‌باشد.

البته روایات دیگری نیز درباره شخصیت حضرت عبدالعظیم (ع) از دیگر امامان وجود دارد. درواقع روایات متعددی از امامان معصوم درباره مقام والای حضرت عبدالعظیم (ع) نقل شده است. از جمله، هنگامی که ایشان از مدینه به سامرا رسیدند، امام هادی (ع) در استقبال از ایشان فرمودند: «مرحباً بک یا أبا القاسم، أنت ولینا حقاً» یعنی «خوش آمدی ای ابوالقاسم! تو به‌راستی از دوستان حقیقی ما هستی.»

این نوع تکریم امام معصوم (ع) نسبت به یک فرد، نشان‌دهنده‌ی عظمت روحی، معنوی و علمی ایشان در نزد اهل‌بیت (ع) است.

ناشران الکترونیک پس از چند سال کشمش به شبستان مصلی می‌آیند

مدیر بخش کتاب الکترونیک سی و ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از جانمایی ناشران الکترنیک، صوتی و پلتفرم‌ها در شبستان مصلی و در میان ناشران عمومی خبر داد.

علی محمدپور مدیر بخش کتاب الکترونیک سی و ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در گفت‌وگو با خبرنگار فرهنگی خبرگزاری تسنیم، از حضور ناشران کتاب الکترونیک در این دوره نمایشگاه خبر داد و گفت: ثبت نام از ناشران الکترونیک تا ۳۰ فروردین ادامه دارد.

محمدپور با بیان این مطلب که در حوزه پلتفرم و کتاب‌های صوتی بیش از ۵۰ شرکت در ایران فعال هستند، گفت: تاکنون عمده ناشران کتاب الکترونیک برای حضور در نمایشگاه ثبت نام کرده‌اند، اما با توجه به فضای محدودی که در اختیار داریم ممکن است مجبور شویم به صورت گزینشی عمل کنیم. هم‌اکنون ناشران و پلتفرم‌هایی که حداقل ۱۰۰ عنوان کتاب دارند، امکان ثبت نام برای حضور در نمایشگاه را دارند.

وی افزود: در این دوره نمایشگاه کتاب بخش دیجیتال که زیرمجموعه مرکز توسعه فرهنگ و هنر در فضای مجازی هستند، در نمایشگاه حضور ندارند، اما دو بخش به نمایشگاه اضافه شده است، یکی بخش ناشران کتاب الکترونیک، صوتی و پلتفرم‌ها و دیگری بخش فناوری‌های نشر. فناوریهای نشر که قرار است حلقه ارتباطی بین بخش سنتی نشر و فناوری‌هایی که به توسعه بازار نشر کمک می‌کنند، باشند. شرکت‌هایی که ایده‌هایی برای تحلیل اطلاعات خریدارها، مثل مشاوره هوشمند در حوزه تولید کتاب دارند و شرکت‌های فعال در حوزه پی‌او دی در این بخش جانمایی می‌شوند. حضور این شرکت‌ها به معرفی خدمات و البته فروش خلاصه می‌شود.

محمدپور در خصوص اینکه ناشران الکترونیک، صوتی و پلتفرم‌ها نیز اقدام به فروش خواهند کرد گفت: بله ناشران کتاب الکترونیک فروش نیز دارند، حتی پیش‌بینی شده که مانند ناشران کتاب فیزیکی بتوانند حتی از یارانه‌ها هم استفاده کنند، البته شاید از نظر فنی این استفاده به این دوره نمایشگاه نرسد، ولی در تلاش هستیم تا اتصال به سامانه انجام شود و مخاطب بتواند از یارانه در نظر گرفته شده برای خرید در این بخش نیز بهره ببرد.

وی درباره جانمایی این ناشران در شبستان مصلی نیز گفت: جانمایی هنوز مشخص نیست، اما قرار است در میان ناشران عمومی و در فضای داخلی شبستان جانمایی شوند.

دبیر انجمن ناشران دیجیتال در پاسخ به این پرسش که تحقق مطالبه سال‌های اخیر ناشران کتاب الکترونیک مبنی بر حضور در شبستان مصلی و در میان ناشران عمومی، آیا می‌تواند منجر به تغییر رویکرد وزارت ارشاد بر رسمیت بخشیدن به ناشران کتاب الکترونیک شود، گفت: رئیس جمهور و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بارها بر این نکته تاکید کرده‌اند که باید به سمت استفاده از فناوری‌ها حرکت کنیم، ما چاره‌ای نداریم و باید از فناوری‌ها در نشر بهره ببریم، این سیاستی است که هزینه‌ها را کاهش می‌دهد، حضور ناشران الکترونیک در این دوره نمایشگاه را باید به فال نیک گرفت، اینکه چقدر بتوانیم موفق شویم، بسته به این است که بدنه سنتی وزارت ارشاد چقدر بتواند خود را با این موضوع بروز کند.

در سال‌های گذشته ناشران کتابهای الکترونیک صوتی و پلتفرم‌ها در بخش ناشران دیجیتال و در سالنی مجزا از ناشران عمومی جانمایی می‌شدند، موضوعی که موجب انتقاد این ناشران شده و در دوره‌هایی از جمله سال گذشته انصراف آن‌ها از نمایشگاه را در پی داشت.

اولین مسلمانانی که بر او نماز خوانده شد

فضیلت‌های حضرت حمزه تنها به شجاعت نظامی محدود نمی‌شود، بلکه اخلاق والا، مهربانی و تعهد عمیق او به ارزش‌های اسلامی نیز از ایشان چهره‌ای کامل و الگویی بی‌نظیر ساخته است.

حضرت حمزه بن عبدالمطلب، عموی بزرگوار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جمله شخصیت‌های الهام‌بخش در تاریخ اسلام است که به دلیل شجاعت، ایمان راسخ و فداکاری بینظیرش، همواره مورد احترام مسلمانان بوده است. ایشان با لقب «سیدالشهدا» و «اسدالله» شناخته میشود که نشاندهنده جایگاه رفیع او در دفاع از اسلام و پیامبر (ص) است. حمزه در جنگ احد با رشادت فراوان جنگید و در نهایت به شهادت رسید، اما نام و یاد او به عنوان نماد ایثار و وفاداری، برای همیشه در تاریخ اسلام جاودانه ماند.

فضیلت‌های حضرت حمزه تنها به شجاعت نظامی محدود نمی‌شود، بلکه اخلاق والا، مهربانی و تعهد عمیق او به ارزش‌های اسلامی نیز از ایشان چهره‌ای کامل و الگویی بی‌نظیر ساخته است. پیامبر صلی الله علیه و آله همواره به جناب حمزه عشق می‌ورزید و از ایشان به بزرگی یاد می‌کرد و به همین نسبت، سایر امامان ما از آن شهید بزرگوار تجلیل کرده و درباره مقام ایشان با دشمنان مفاخره می‌کردند و حمزه را فخر خاندان وحی می‌دانستند. شهادت حضرت حمزه نه تنها ضایعه‌ای بزرگ برای اسلام بود، بلکه درس‌هایی عمیق در زمینه وفاداری، مقاومت و ایمان به همراه داشت. امروزه، نام حمزه همچنان زنده است و مسلمانان با الگوگیری از زندگی پرشکوه او، راه حق و شجاعت را ادامه می‌دهند.

از امام حسن عسکری علیه‌السلام نقل است:

اولین کسی که از مسلمانان بر او نماز خوانده شد، عموی ما حمزه بن عبدالمطلب، شیر خدا و شیر رسول خدا بود؛ أَوَّلُ مَنْ صُلِّیَ عَلَیْهِ مِنَ الْمُسْلِمِینَ عَمُّنَا حَمْزَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَسَدُ اللَّهِ وَ أَسَدُ الرَّسُولِ.

وقتی او کشته شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار غمگین و نگران شد و صبر و آرامش خود را از دست داد. ایشان فرمودند: به خاطر هر موی حمزه، هفتاد نفر از مشرکان قریش را خواهم کشت. اما خداوند به ایشان وحی کرد: «إِنْ عاقَبْتُمْ فَعاقِبُوا بِمِثْلِ ما عُوقِبْتُمْ بِهِ وَ لَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَیْرٌ لِلصَّابِرِینَ وَ اصْبِرْ وَ ما صَبْرُکَ إِلا بِاللهِ وَ لا تَحْزَنْ عَلَیْهِمْ وَ لا تَکُ فِی ضَیْقٍ مِمَّا یَمْکُرُونَ؛ اگر مجازات می‌کنید، به اندازهٔ آنچه به شما شده مجازات کنید؛ و اگر شکیبا باشید، این برای شکیبایان بهتر است. پس شکیبا باش و شکیبایی تو جز به یاری خدا نیست؛ و برای آنها غمگین مباش و از مکر آنها در تنگنا مباش». (۱۲۶ و ۱۲۷ نحل) خداوند متعال خواست این عمل را به عنوان سنت در بین مسلمانان قرار دهد؛ زیرا اگر رسول خدا به خاطر هر موی عمویش حمزه هفتاد نفر از مشرکان را می‌کشت، در کشتن آنها هیچ اشکالی نبود. اما رسول خدا خواست حمزه را دفن کند و دوست داشت که خدا او را در حالی که به خون آغشته است، ملاقات کند. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج۲، ص: ۲۵۷)

در این حدیث سه فضیلت به حضرت حمزه اختصاص داده شده است؛ ۱.ایشان اول کسی است که بر ایشان نماز خوانده شد۲. ملقب به اسدالله و شیر رسول خدا شدند۳.خداوند آیاتی از قرآن را به بهانه‌ی شهادت حضرت حمزه نازل کرد.

اینها بخشی از فضائل عموی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. پس از آن، جناب حمزه همواره مورد احترام و تکریم خاندان وحی بود و گاهی اهل بیت علیهم‌السلام که قصد داشتند با دشمنان خویش محاجه کنند، از مقام حضرت حمزه و انتساب ایشان به خاندان خود یاد می‌کردند و با این بیان، لبان دشمنان را به هم می‌دوختند.

تحلیلی بر زندگی در خانواده های متزلزل

دکتر مجتبی خندان
(پژوهشگر عرصه خانواده)

بخش اول - تزلزل

نقطه ی مقابل استبداد که جنبه ی افراطی دارد، تزلزل است که تفریط به شمار می آید. خانواده ی متزلزل خانواده ای است که در آن به دلایل گوناگون، روابط اعضای خانواده از محبت و عاطفه تهی است و اساساً روابط دوستانه ای میان آنان حاکم نیست؛ زندگی مشترک برای افراد خانواده تعهدی ایجاد نکرده است و پایبندی در خانواده دیده نمی شود. برای این خانواده، می توان ویژگی های زیر را به مثابه ی بخش مهمی از مشخصات آن برشمرد:

شاخص های خانواده ی متزلزل

- اعضای خانواده احساس مسئولیتی در برابر یکدیگر نمی کنند؛
- روابط میان آنان از صمیمیت برخوردار نیست، بلکه گاه خصمانه است؛
- افراد به صورت مداوم از یکدیگر انتقاد می کنند؛
- هر کس هدفی ویژه ی خود دارد و به هدف تشکیل خانواده و زندگی مشترک، توجه نمی کند؛
- هیچ یک از افراد به حمایت اعضای خانواده امید ندارند؛
- انگیزه ی زندگی برای افراد بسیار کم رنگ است؛
- بدبینی، عیب جویی، لجاجت و منفی گرایی فراوان مشاهده می شود؛
- احساس افسردگی و بی حوصلگی فراوان است؛
- هر کس در پی کار خویش است، بدون اینکه رفتار خود را با دیگران منظم کند؛
- برای شکوفایی استعدادها و ظهور توانایی ها و رشد و تکامل، زمینه ی مناسبی وجود ندارد؛
- میان والدین در مقام تربیت، تعارض وجود دارد؛
- پدر و مادر تأثیر و نفوذ خود را از دست داده اند؛
- سطح عزت نفس، تکریم شخصیت و اعتماد به نفس بسیار پایین است؛
- کودک در عین اینکه گاه آزادی بسیار دارد، در زمان دیگر بسیار محدود است؛
- فرزند برای همان کاری تنبیه می شود که روزی به دلیل آن، تشویق شده بود؛
- تناقض حرف و عمل در رفتار والدین بسیار دیده می شود؛
- نبود عواطف در زن، شوهر یا هر دو، و بی احترامی آنان به یکدیگر مشهود است؛
- بی توجهی به ابراز محبت و نگه داشتن محبت در دل و بی توجهی به جنبه های مشترک فکری، فراوان دیده می شود؛
- نگاه تبعیض آمیز به جنسیت، برتری جنسی بر جنس دیگر از نظر کرامت انسانی، اختصاص زمینه ی بیشتر رشد برای یک جنس و تفاوت جایگاه آنها در درجه ی شهروندی وجود دارد؛
- توجه به نکات منفی در اخلاق و رفتار همسر و مقایسه ی او با دیگران در حالی که او منحصر به فرد است، بسیار است؛
- به دلیل بی دقتی در تعیین و تشخیص شاخص های انتخاب همسر، تفاهم وجود ندارد، و بی توجهی به خواسته های او و کنار گذاشتن مهارت گوش کردن فعال، چشمگیر است؛
- ناآشنایی با حالات، روحیات، خواسته ها و علایق همسر، واقعیت این خانواده است؛
- بحث ها و بگو مگوهای بی فایده و ملال آور، و زندگی را با کلاس درس اشتباه گرفتن، آشکار است؛
- نداشتن صداقت، بی اعتمادی همسران به یکدیگر، دورویی و قرار گرفتن در موضع اتهام، مشهود است؛
- بی توجهی به حقوق اعضای خانواده و فقط مکلف دانستن آنان، به روشنی دیده می شود؛
- شکستن حریم ها و بی توجهی به مسئولیت خود در خانواده، پدیده ای عادی است؛
- بی توجهی به مصالح جمعی اعضای خانواده و پیگیری منافع شخصی، طبیعی است؛
- لجاجت و رقابت ناسالم به جای یک رنگی، یک دلی، صمیمیت و دوستی، کانون توجه است؛
- به شخصی فکر کردن و تلاش برای تملک کامل همسر و در اختیار گرفتن همه ی فرصت های او، رغبت وجود دارد؛
- بی توجهی به تفاوت های زن و مرد در جنبه های گوناگون و انتظارات نامعقول، فراوان است؛
- ناآشنایی مردان با موقعیت های ویژه ای همچون قاعدگی و پیامدهای آن برای زنان و ناآشنایی زنان با کارهای خشن، مأموریت های دشوار و پیامدهای آن برای مردان، زیاد است؛
- نادیده انگاشتن کار درون خانه اهمیت دادن به کارهای بیرون از خانه، و بالعکس، مطرح است؛
- دوری از حق و شایسته سالاری و رو آوردن به شاخص های غیرمنطقی، مشهود است؛
- بدبینی به آینده، پوچی و بی هدفی در زندگی موج می زند؛
- انتظارات و مطالبات فراوان و ناهمخوان با امکانات و توانمندی اعضای خانواده، فزاینده است؛
- چشم و هم چشمی، بروز تنوع درخواسته ها و نداشتن مناعت طبع، مهم ترین مسئله است؛
- تمرکز بر مسائل جزئی، نداشتن نگاه کلی و جامع، و نداشتن سعه ی صدر، مشکل اصلی است؛
- تمرکز بر جنبه های منفی و نادیده گرفتن جنبه های مثبت، در باورها و رفتار اعضای خانواده بسیار است؛
- ناآشنایی با محدودیت های زندگی و ترسیم مدینه ی فاضله در ذهن برای زندگی مشترک، دیده می شود؛
- بی بهره بودن از تجربیات ارزنده ی دیگران در مواجهه با محدودیت ها و مشکلات زندگی آشکار است؛
- تمرکز بر ارزش های مادی و فاصله گرفتن از ارزش های آسمانی قوت دارد؛
- توافق نداشتن والدین در زمینه ی ضوابط تربیت فرزندان، همیشگی است؛
- زودباوری، سادگی و بی سیاستی یکی از والدین و تحت تأثیر القائات دیگران قرار گرفتن، چشمگیر است؛
- روزمرگی افراطی در آن مشاهده می شود؛
- ناامنی، دلهره و اضطراب در فرزندان به دلیل ناآگاهی از فرجام زندگی، فراوان است.

زمینه ها و عوامل تزلزل خانواده

ابتدا لازم است عوامل تزلزل در خانواده شناسایی، و برای از بین بردن آن چاره ای اندیشیده شود. ما باید عوامل تزلزل را حذف کنیم یا آن را به حداقل کاهش دهیم. اصلی ترین دلایل را باید در شکسته شدن ازدواج های سنتی، کاهش نظارت خانواده بر ازدواج فرزندان، آشنایی اولیه و ظاهری به صورت مستقیم میان دختر و پسر قبل از آشنایی با وضعیت خانوادگی، انس و وابستگی دختر و پسر پیش از تحقیق، بی ثباتی در شاخص های انتخاب همسر، نامتناسب بودن شاخص ها با نیازهای واقعی افراد در ازدواج، لجاجت و رقابت ناسالم همسران و ناآشنایی با تفاوت های فردی، و همچنین تفاوت های دختر و پسر جستجو کرد.

از جمله بسترهای پدیدآورنده ی تزلزل در خانواده را می توان باورها و تفکرات زن و مرد در انتخاب همسر، حالت های پس از ازدواج و بی سیاستی پدر و مادر در امور زندگی مشترک دانست، که به مواردی از آن اشاره می کنیم:

۱. وادادگی و نظارت ضعیف خانواده ها

پدر و مادر درباره ی همه ی کارهای فرزندان باید احساس مسئولیت کنند و هیچ کاری را بی نظارت نگذارند. در مواردی، خودشان باید به صحنه ی اجرا بیایند و وظیفه ی خود را ایفا کنند. حتی وقتی پسر و دختر بزرگ می شوند و در سن ازدواج قرار می گیرند، پدر و مادر نباید به آنان بی توجه باشند. از روایات مرتبط با موضوع ازدواج فهمیده می شود مخاطب معصومان (ع) در این زمینه خانواده ها هستند و آنها به فراهم آوردن مقدمات ازدواج فرزندان، مأمور شده اند پیامبر اکرم (ص) فرمودند: مِن حَقِّ الوَلَدِ عَلَی وَالِدِهِ ثلاثه: یحسن اسمه ویعلمه الکتابه و یزوجه اذا بلغ؛(۱) «سه چیزی از حقوق فرزند بر پدر است: نام نیک برایش انتخاب کند، به او نوشتن بیاموزد، و زمانی که به کمال رسید، زمینه ی ازدواج او را فراهم کند.» در جای دیگر، حضرت فرمودند: مِن حَقِّ الوَلَدِ عَلَی وَالِدِ أن یُحَسِّنَ اسمَهُ إذا وُلِدَ وَ أن یُعَلِّمَهُ الکِتابَهَ إذا کَبِرَ وَ أن یُعِفَّ فَرجَهُ إذا أدرَکَ؛ (۲) «از حقوق فرزند بر پدرش این است که وقتی به کمال و بلوغ لازم رسید، با ازدواج، عفتِ جنسی او را فراهم آورد.»

بی توجهی پدر و مادر به ایفای نقش خود در برابر فرزندان، باعث می شود آنها نیز در برابر همسر و فرزندان خویش، روحیه ای سرد و بی توجه به نمایش گذارند، کاری به کار همدیگر نداشته باشند، نه به خوشی یکدیگر بیندیشند و نه به غم یکدیگر توجه کنند. چنین افرادی نه تنها در تصمیمات یکدیگر مداخله نمی کنند، بلکه طرف مشورت نیز قرار نمی گیرند و اصولاً حاضر نیستند درباره ی مسئله ای که به عضوی از خانواده مربوط است، بیندیشند. آنها از مسائل، بی توجه می گذرند و با یکدیگر احساس بیگانگی دارند.

خانواده ها باید خود را به طور مستقیم با ازدواج فرزندان درگیر کنند. آنها باید بستر لازم برای آشنایی آنها، تغذیه ی فکری برای انتخاب صحیح، بررسی و اولویت بندی شاخص های ازدواج و تحقیق برای دستیابی به ازدواج مناسب را برای آنان فراهم سازند و اجازه ندهند قبل از اینکه پختگی لازم برای انتخاب پدید آید، دختر و پسر با یکدیگر روابط مستقیم داشته باشند، چرا که حاصل این رابطه، چیزی جز پیوند عمیق تر، حاکمیت احساسات بر منطق، شیدایی و دلدادگی و پذیرش غیر واقعی نیست. والدین نباید کاری کنند که ارتباطات چهره به چهره ی دختر و پسر پیش از پختگی و بررسی و تحقیق دقیق اوج گیرد، تا دل بستگی ها و دلدادگی های مقطعی پیش نیاید و انتخابی پایدار شکل گیرد.

در جهان امروز، تغییرات فراوانی در مبانی ازدواج و تشکیل خانواده و برطرف سازی موانع آن پدید آمده است. ازدواج در جنسیت یک سان و آزادی هم جنس بازی، اولویت دادن به تأمین نیازهای جنسی به مثابه ی مهم ترین هدف زندگی با شعار کم کردن توقعات در زندگی و تهی کردن زندگی از هدف اصلی آن، یعنی آرام بخشی زن و شوهر برای یکدیگر و... از جمله علایم تمدن و سلامت در برخی جوامع است. گاه با شعار مساوات میان زن و مرد، زنان را به ارتباط های غیررسمی دعوت می کنند و وصلت های غیر رسمی را به ویژه در میان جوانان، افزایش می دهند. با این ترفند، جدایی و حذف ارتباط، بسیار راحت رخ می دهد. اصلاً قرار نیست کسی به کسی دل بسته باشد یا احساس و عاطفه ای خرج او کند. حتی بسیاری از ازدواج ها نیز به راحتی به طلاق می انجامد. در این جوامع، دیگر طلاق رخدادی استثنایی نیست و درصد جدایی ها نصف و گاه بیش از نصف ازدواج هاست. در این جوامع تعداد فرزندانی که از مادرانی زاییده شده اند که هیچ گاه ازدواج نکرده اند، کم نیست. طبیعی است که این روش به بی تفاوتی اعضای خانواده منتهی می شود.